

واقعیت داستان پول نفت بعد از برجام

سردبیر



آمریکا محدودیت قفل بودن پول‌های نفتی را برداشته اما با دو ترفند دیگر، عملاً دسترسی به پول‌های نفتی را برای ایران سخت کرده است که می‌توان گفت هنوز همان وضعیت قفل بودن برقرار است.

برای اینکه موضوع را تحلیل کنیم باید داستان پول نفت را از قبل از برجام مرور کنیم تا مشخص شود که با پول‌های نفت دقیقاً چه کارهایی می‌شود کرد و چه کارهایی را نمی‌توان انجام داد.

قبل از برجام و از سال ۲۰۱۲ با تصویب قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲، فروش نفت ایران با محدودیت مواجه شد. آمریکا از خریداران نفت ایران خواست تا خرید نفت خود از ایران را کاهش دهند. در این مقطع، آمریکا برای پول نفت خریداری شده از ایران محدودیتی در نظر نگرفت. اما چند ماه بعد و در قانون کاهش تهدید ایران به دلیل ناتوانی در کاهش مطلوب خرید نفت از ایران، از خریداران نفت ایران خواست تا پول‌های نفتی ایران را در بانک‌های خود و در حسابی به نام بانک مرکزی ایران «قفل» کنند. به این معنا که ایران نمی‌تواند این درآمدها را به کشور ثالثی منتقل کند و تنها می‌تواند برای خرید از همان کشور (البته با محدودیت در موضوع خرید) استفاده نماید. به این ترتیب، یک بازی برد-برد میان آمریکا و خریداران نفت ایران اجرا شد. در نتیجه این وضعیت، طلب‌های نفتی ایران از کشورهای خریدار نفت روز به روز بیشتر می‌شد.

این مسیر تا توافق ژنو ادامه پیدا کرد. در

طبق توافق برجام، محدودیت فروش نفت خام ایران در قالب توقیف‌های موقت ۱۲۰ روزه برداشته شد. در نتیجه، ایران توانست به میزان فروش قبل از تحریم نفتی بازگردد. بر اساس آمار اعلام شده از سوی وزیر نفت، میزان فروش نفت و میعانات ایران به چیزی در حدود ۲.۶ میلیون بشکه در روز رسیده است.

اما برای پول‌های نفتی چه اتفاقی افتاد؟ آیا آنها از قفل بودن خارج شدند؟

طبق دستورالعمل وزارت خزانه‌داری آمریکا برای اجرای برجام و در بند ۱B تصریح شده است که ایران می‌تواند به پول‌های نفتی دسترسی داشته باشد و محدودیت گذشته از روی آن برداشته شده است. در این بند آمده است:

The restriction on use of proceeds of sales of Iranian petroleum and petroleum products for bilateral trade with Iran, which previously applied to

توافق ژنو که دی ماه ۱۳۹۲ صورت گرفت، سقف فروش نفت خام مورد توافق قرار گرفت. درباره درآمدهای نفتی هم توافق شد که ماهیانه ۷۰۰ میلیون دلار از پول‌های قفل شده ایران در خارج کشور آزاد شود و در اختیار ایران قرار گیرد. البته در این توافق هیچ‌یک از بانک‌های ایرانی (حتی بانک مرکزی) از تحریم بیرون نیامده و در نتیجه عملاً ایران نتوانست از آزاد شدن معادل ۷۰۰ میلیون دلار بهره‌ای برد؛ غیر از تسویه بدهی‌های ایران به نهادهای بین‌المللی همچون بانک جهانی!

این وضعیت تا برجام ادامه پیدا کرد و کشورمان همچنان نفت خام می‌فروخت و پول حاصل از فروش نفت، بیشتر از ۷۰۰ میلیون دلار ماهیانه‌ای بود که برای ایران آزاد می‌شد. در نتیجه، میزان پول‌های قفل شده کشور در خارج به شیب ملایمی افزایش پیدا کرد.

همانطور که مشاهده می‌شود، تصریح شده است که نباید تراکنش مربوط به خرید نفت ایران با یک فرد تحریمی (SDN) (اعم از حقیقی یا حقوقی) درگیر باشد.

این شرط باعث می‌شود که بانک خارجی که میزبان درآمدهای نفتی ایران است، احتیاط فراوانی در انجام تراکنش مربوط به ایران انجام دهد. یکی از این احتیاط‌ها شناخت هویت مشتری است. طبق استانداردهای ابلاغ شده از سوی آمریکا، بانک‌های خارجی در ارتباط با ایران علاوه بر شناسایی هویت مشتری (KYC) باید الزامات مربوط به شناسایی هویت مشتری (KYCC) را نیز انجام دهند.

در نتیجه‌ی این وضعیت، ایران نمی‌تواند از درآمدهای نفتی خود به صورت آزادانه همانند زمان قبل از تحریم‌ها استفاده کند. وقتی ایران برای استفاده از این منابع به بانک خارجی مراجعه می‌کند، باید شفافیت حداکثری برای آن بانک را ایجاد کند تا آن بانک اطمینان کافی پیدا کند که تراکنشی که می‌خواهد انجام دهد، منجر به نقض تحریم‌های آمریکا نمی‌شود.

طرف دیگر داستان این است که ایران نمی‌تواند در حوزه‌های مرتبط با اقتدار کشور که مورد تحریم آمریکاست از منابع ارزی خود استفاده نماید.

در نتیجه‌ی این وضعیت، خرید کالاهای مصرفی از همان کشور (برای مثال خرید خودرو از کشور کره یا خرید برنج از کشور هند و ...) راحت‌ترین نوع آزاد کردن درآمدهای نفتی برای ایران می‌شود که البته لطمات جدی به تولید کشور نیز وارد می‌کند.

واقعیت داستان پول نفت آن است که عملاً پول نفت قفل است و کلید برجام نتوانسته آن را باز نماید. ■

ایران به کشور کره جنوبی نفت می‌فروشد، بخشی از این درآمد را باید با تبدیل وون به درهم، به امارات منتقل کرده و در آنجا به واردکنندگان تخصیص دهد. اما تبدیل وون به درهم به صورت مستقیم امکان‌پذیر نیست چرا که بازاری برای این کار با حجم مدنظر ایران وجود ندارد. حالت معمول این است که وون به دلار تبدیل شود و سپس به درهم، اما به دلیل ممنوعیت استفاده ایران از نظام پرداخت دلار، این کار امکان‌پذیر نیست. پس ایران نمی‌تواند درآمد نفتی خود را به میزان مورد نیاز از کشوری همچون کره به امارات منتقل کند.

مشکل دوم مسأله باقی ماندن ساختار تحریم‌های ثانویه بانکی بعد از برجام است. ساختار تحریم بانکی در برجام تغییر نکرد و تنها اهداف تحریمی کاهش پیدا کردند. اما تعداد قابل توجهی از اهداف تحریمی باقی ماندند که در طول دو سال گذشته نیز تعداد آنها توسط آمریکا افزایش پیدا کرد. بعد از آن بود که حدود ۱۸۰ فرد و نهاد ایرانی در لیست تحریم آمریکا باقی ماندند، اما اکنون به بیش از ۲۲۰ فرد و نهاد رسیده‌اند. این افراد مشمول تحریم‌های ثانویه بانکی و غیربانکی هستند و بانک‌های خارجی نباید حتی به صورت غیرمستقیم (یعنی با واسطه فرد یا بانکی دیگر) به این افراد خدمات بانکی ارائه دهند. این مسأله برای تمام منابع ارزی ایران از جمله درآمدهای نفتی نیز وجود دارد.

در دستورالعمل اجرای برجام و در همان بند B. بعد از تصریح بر آزاد بودن درآمدهای نفتی این شرط به این صورت بیان شده است: Consequently, beginning on Implementation Day, secondary sanctions do not apply to non-U.S. persons that purchase, acquire, sell, transport, or market Iranian crude oil, provided that the transactions do not involve persons on the SDN List.

the 20 jurisdictions with a so-called "significant reduction exception" under the NDAA, no longer apply. In addition, the restrictions on Iranian oil revenues held abroad have been lifted.

مشاهده می‌شود که در این بند تصریح شده است که محدودیت‌های استفاده از درآمدهای نفتی برای تجارت دوجانبه برداشته شده است.

اما آیا این تمام ماجراست؟

واقعیت آن است که این تمام ماجرای پول نفت نیست و در صحنه واقعی، کشور با دو مشکل اساسی برای استفاده آزادانه از درآمدهای نفتی مواجه است. به عبارت دیگر آمریکا محدودیت قفل بودن پول‌های نفتی را برداشته است اما با دو ترفند دیگر، عملاً دسترسی به پول‌های نفتی را برای ایران سخت کرده است که می‌توان گفت هنوز همان وضعیت قفل بودن برقرار است.

همانطور که می‌دانید در برجام تحریم یوترن (U-turn) دلار برداشته نشد. تیم مذاکره‌کننده و آقای عراقچی معتقدند که این تحریم یکی از تحریم‌های اولیه بوده و قرار هم نبوده است که برداشته شود. اما شواهد و اسناد موجود حاکی از آن است که تحریم یوترن بعد از قطعنامه ۱۸۰۳ از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه ایران اعمال شده است. در نتیجه‌ی این تحریم، دسترسی با واسطه ایران به سیستم مالی آمریکا قطع شد. این تحریم هم ثانویه محسوب می‌شود و هم هسته‌ای و همچنین از آن دسته تحریم‌هایی است که در اختیار دولت آمریکاست و نه کنگره آن کشور. اما به هر حال این تحریم در برجام برداشته نشد.

دسترسی به نظام مالی آمریکا یا به عبارتی دسترسی به دلار، در دسترسی آزادانه ایران به درآمدهای نفتی اثر دارد. برای مثال وقتی